

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دوازدهم، شماره‌ی چهل‌وهفتم، بهار ۱۴۰۰، صص ۱-۳۷  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## گونه‌شناسی معماری آرامگاهی در دوره‌ی اشکانی

فرزانه سبحانی<sup>۱</sup>، عباسعلی رضایی‌نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

بر پایه‌ی مدارک باستان‌شناختی، در دوره‌ی اشکانی تنوع مذهبی وجود داشت. پادشاهی اشکانی این امکان را فراهم کرده بود که در قلمرو وسیع اشکانی، اقوام گوناگون در اجرای مراسم و مناسک دینی خود آزادانه عمل کنند. در نتیجه با توجه به تنوع گروه‌های قومی و مذهبی، شیوه‌های مختلفی در احداث بناهای آرامگاهی ایجاد شد. ساخت آرامگاه به مثابه‌ی نوعی از معماری یادمانی، همواره توجه طبقه‌ی ممتاز جامعه را به خود معطوف می‌کرد. بناهای تدفینی بازتابی از قدرت متوفیان در ساختارهای سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و اجتماعی جامعه بود. این گونه از بناها همواره مورد توجه، احترام و تقدس مردم بود و از طریق پیوندی که با ریشه‌های هویتی جامعه داشت، شکل‌گیری و توسعه‌ی سنت‌های معماری آرامگاهی را در طول تاریخ موجب شد. هدف مقاله‌ی حاضر، شناخت سبک معماری بناهای آرامگاهی دوره‌ی اشکانی از لحاظ پلان، سازه و تزئینات، گونه‌شناسی معماری آرامگاهی این دوره و در نهایت، درک نوآوری و تداوم سنت‌های فرهنگی و هنری در ساخت بناهای آرامگاهی است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی بناهای آرامگاهی دوره‌ی اشکانی معرفی و طبقه‌بندی و سبک معماری آنها بررسی و گونه‌شناسی شده است. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که در گستره‌ی شاهنشاهی اشکانی تنوع چشمگیری در ساخت بناهای

۱. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان، farzaneh2004\_1382@yahoo.com

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) rezaeinia@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۶/۱۳ - تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۸/۴

آرامگاهی دیده می‌شود و می‌توان آنها را براساس ویژگی‌های کالبدی به دو گونه‌ی دست‌کند (دخمه‌ای) و دست‌ساز (ساختمانی) تقسیم کرد. سبک معماری آرامگاه‌های دوره‌ی اشکانی نشان‌دهنده‌ی تداوم سنت‌های معماری آرامگاهی این دوره‌ی است.

واژه‌های کلیدی: شاهنشاهی اشکانی، معماری آرامگاهی، گونه‌شناسی، سنت‌های معماری، بناهای یادمانی

#### مقدمه

یکی از گونه‌های معماری مذهبی، بناهای آرامگاهی است. منظور از آرامگاه، هر ساختمان یا سازه‌ای با معماری دست‌ساز و یا دست‌کند است که برای تدفین استفاده می‌شود. این‌گونه از بناهای یادمانی که به احترام و پاسداشت درگذشتگان بنا شده است، جایگاه ویژه‌ای در شناخت باورها و تاریخ معماری آرامگاهی دارد. پیشینه‌ی ساخت بناهای آرامگاهی در ایران احتمالاً به دوره‌ی ایلام می‌رسد. نمونه‌های شناخته‌شده از این مقابر در هفت‌تپه (نگهبان، ۱۳۷۲: ۱۲۲-۱۱۹) و چغازنبیل (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۱۰۱-۸۳) به دست آمده است. ساخت بناهای آرامگاهی در حد فاصل دوره‌ی ایلام و دوره‌ی هخامنشی یعنی دوره ماد، چندان روشن به نظر نمی‌رسد. اگرچه در گذشته برخی از محققان، گوردخمه‌های غرب و جنوب غرب ایران مانند قیزقایان، فخریکا، دکان داوود، سکاوند و دائو دختر را به دوره‌ی ماد منسوب کرده‌اند، پژوهش‌های جدید آنها را به دوره‌ی پساخامنشی یا اشکانی نسبت می‌دهد (Gall, 1988؛ هرمان، ۱۳۷۳: ۴۰). در دوره‌ی هخامنشی آرامگاه‌سازی رونق فراوانی داشت. چنان‌که آرامگاه‌های صخره‌ای در کوه حسین نقش رستم و کوه رحمتی تخت‌جمشید، در دل کوه حجاری شده‌اند. گونه‌ی دیگری از مقابر این دوره، آرامگاه کوروش در پاسارگاد، آرامگاه گوردختر در برازجان و احتمالاً آرامگاه ناتمام تخت‌گوهر در جنوب شرقی نقش رستم است که از یک سکوی مطبق با اتاقی سنگی بر روی آن تشکیل شده است (رزمجو، ۱۳۹۳: ۷۵۳-۷۵۴). برخی از محققان برای بنای زندان سلیمان و کعبه‌ی زرتشت هم کاربری آرامگاهی قائل‌اند (شهبازی، ۱۳۷۹: ۹۳).

### گونه‌شناسی معماری آرامگاهی در دوره‌ی اشکانی | ۳

دوره‌ی فرمانروایی تقریباً پانصد ساله‌ی حکومت اشکانی، گواه قدرت و شایستگی دودمان اشکانی و جایگاه برجسته‌ی آنها در حیات سیاسی و فرهنگی ایران است. بخشی از دستاورد بزرگ فرهنگی اشکانیان میراثی است که آنها در سنت مقبره‌سازی بر جا گذاشته‌اند. متون کلاسیک اشاره مختصری به آرامگاه‌های اشکانی کرده‌اند. به طوری که ایزیدور خاراکسی به مقابر شاهان اشکانی در نساء و دیون‌کاسیوس به غارت مقابر شاهان اشکانی واقع در اربلا (اربیل کنونی) توسط کاراکالا امپراتور رومی اشاره کرده‌اند؛ هرچند، تاکنون هیچ مدرک باستان‌شناختی از این آرامگاه‌ها در نساء کشف نشده است (Canepa, 2010: 15-16). شواهد باستان‌شناختی، شناخت بیشتری از سنت آرامگاه‌سازی در دوره‌ی اشکانی به دست می‌دهند. در این دوره‌ی ساخت مقابر در اشکال گوناگون، الگوهای متنوعی برای تدفین مردگان پدید آورده است. به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، قومی و جغرافیایی در قلمرو شاهنشاهی اشکانی، سبک‌های متنوعی در بناهای آرامگاهی به کار رفته است. بررسی و تحلیل الگوهای گوناگون به کار رفته در ساخت این بناها، ضمن تأیید مسئله فوق، در فهم سنت‌های معماری آرامگاهی و اوضاع مذهبی دوره‌ی اشکانی راهگشاست.

به جز تک‌نگاری‌هایی با موضوع آرامگاه‌های شناسایی شده، تاکنون پژوهش مستقل و جامعی درباره‌ی گونه‌شناسی و سنت‌های معماری آرامگاهی دوره‌ی اشکانی انجام نشده است. از این رو، ضرورت انجام این پژوهش احساس می‌شود. تحقیقاتی که در طی یک‌صدسال گذشته درباره‌ی بناهای آرامگاهی دوره‌ی اشکانی انجام شده، به گزارش‌های کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه‌های اشکانی محدود است. این تلاش‌ها از اوایل سده‌ی بیستم میلادی در میان‌رودان، سوریه، ایران، آسیای میانه و شبه جزیره‌ی عربستان آغاز شده است و تا امروز ادامه دارد. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تصویر کامل و جامعی از گونه‌ها و پراکندگی آرامگاه‌های اشکانی ارائه و آنها را در یک چارچوب زمانی بررسی کند. اهداف پژوهش حاضر عبارت است از: ۱. شناخت سبک‌های معماری به کار رفته در بناهای آرامگاهی دوره‌ی اشکانی از لحاظ پلان، سازه و تزئینات. ۲. شناخت تداوم

سنت‌های فرهنگی و هنری در ساخت بناهای آرامگاهی در دوره‌ی اشکانی. همچنین می‌کوشد به پرسش‌های اصلی زیر پاسخ دهد: ۱. سبک معماری بناهای آرامگاهی در دوره‌ی اشکانی چگونه است و تابع کدام یک از سنت‌های معماری آرامگاهی است؟ ۲. بناهای آرامگاهی دوره‌ی اشکانی از نظر گونه و شکل، از معماری آرامگاهی دوران قبل از خود چه تأثیراتی پذیرفته و بر طرح بناهای آرامگاهی دوران بعد از خود چه اثری گذاشته است این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. به طوری که بر مبنای سیر تاریخی، ابتدا اطلاعات بناهای آرامگاهی از محوطه‌های دوره‌ی اشکانی گردآوری و معرفی شده‌اند. سپس به مقایسه و تحلیل گونه‌شناسی ساختاری و کاربردی بناهای آرامگاهی پرداخته‌ایم. روش گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و رجوع به گزارش‌ها، مقالات و کتاب‌های مرتبط با محوطه‌های اشکانی مورد پژوهش است.

#### گونه‌شناسی آرامگاه‌های اشکانی

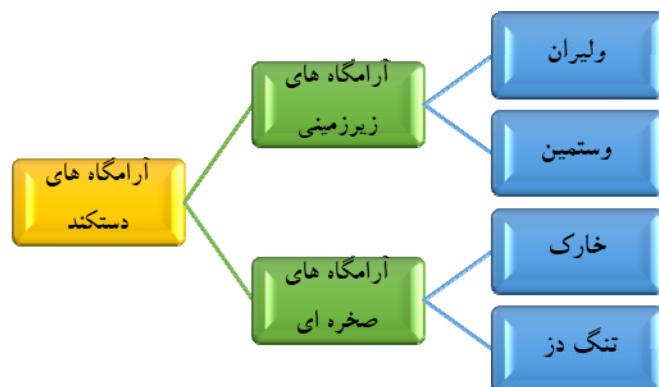
براساس ساختار معماری می‌توان آرامگاه‌های اشکانی را به دو گونه‌ی آرامگاه دست‌کند یا دخمه‌ای و آرامگاه دست‌ساز یا ساختمانی تقسیم کرد. هرکدام از آرامگاه‌ها نیز زیرمجموعه‌هایی دارند. به طوری که آرامگاه دست‌کند به دو گروه آرامگاه‌های صخره‌ای و زیرزمینی و آرامگاه‌های دست‌ساز به سه گروه آرامگاه‌های روی زمین، زیرزمین و ترکیبی تقسیم می‌شوند. آرامگاه‌های روی زمین و آرامگاه‌های زیرزمین با مصالح ساختمانی احداث شده‌اند و آرامگاه‌های ترکیبی، تلفیقی از آرامگاه‌های روی زمین و زیرزمین است. چنان‌که بخشی در زیر زمین و بخشی دیگر در روی زمین و با مصالح بنایی ساخته شده است. از لحاظ کاربری نیز آرامگاه‌ها را می‌توان در دو گونه‌ی آرامگاه صرفاً تدفینی و آرامگاه با صحن مرکزی تقسیم کرد.



تصویر ۱. نمایش گرافیکی گونه‌شناسی ساختاری - کالبدی آرامگاه‌ها

#### ۱. آرامگاه‌های دست‌کند

آرامگاه‌های دست‌کند یا دخمه‌ای، به صورت افقی و عمودی در دل کوه یا صخره و یا در زیرزمین کنده شده‌اند. بر این اساس، آرامگاه‌های دست‌کند به دو نوع آرامگاه‌های صخره‌ای دست‌کند و آرامگاه‌های زیرزمینی دست‌کند تقسیم می‌شوند. آرامگاه‌های دست‌کند از نظر شکل و تزئینات متنوع‌اند. لازم به ذکر است حدّ فاصل سقوط هخامنشیان تا برآمدن اشکانیان، دوره‌ای کمتر شناخته شده در تاریخ ایران است. به نظر می‌رسد از حدود سده‌ی سوم پیش از میلاد در طی حکومت سلوکیان، در فلات ایران حاکمان محلی حکمرانی می‌کردند که برخی از آنان مستقل و برخی دیگر دست‌نشانده‌ی سلوکیان بودند. در این دوره‌ی یونانی مآبی، شماری از آرامگاه‌های صخره‌ای مانند قیزقاپان، فخریکا، دکان داوود، سکاوند و دائودختر، در گستره‌ای از شمال غرب، غرب و جنوب غرب ایران و در دامنه‌های زاگرس پراکنده‌اند که محققان آنها را به دوره‌ی پسا‌هخامنشی منسوب کرده‌اند. در واقع این آرامگاه‌ها تداوم سنت معماری آرامگاهی دوره‌ی هخامنشی است که از هنر هخامنشی و هلنی متأثرند و عناصری را در خود دارد که بعدها در هنر اشکانی نیز دیده می‌شوند. در ادامه، آرامگاه‌های دست‌کندی را که با اطمینان به دوره‌ی اشکانی منسوب شده‌اند، از نظر پلان، سازه و تزئینات بررسی می‌کنیم. آرامگاه‌های دست‌کند از نظر پلان به چهار گروه تقسیم می‌شوند.



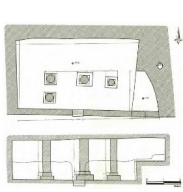
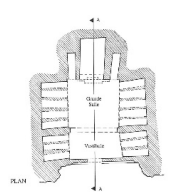
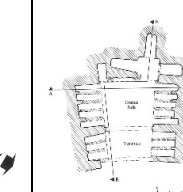
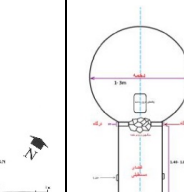
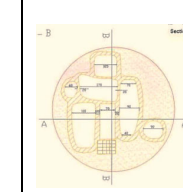
تصویر ۲. نمایش گرافیکی گونه‌های آرامگاه دست‌کند

#### ۱.۱. آرامگاه‌های سردابه‌ای یا زیرزمینی

این آرامگاه‌ها دو سازمان فضایی متفاوت دارند. آرامگاه‌های وستمین در کیاسر ساری، ترکیبی از یک راهرو، درگاه ورودی و اتاق قبر مدور است (شریفی و دیگران، ۱۳۹۷) در حالی که آرامگاه ولیران دماوند، از یک درگاه و اتاق قبری تقریباً به شکل راست‌گوشه تشکیل شده و در اطراف فضای مرکزی آن سه سکوی تدفینی با سه استودان سازماندهی شده است. از این آرامگاه به دفعات استفاده و اجساد قدیمی به استودان‌ها منتقل می‌شد (نعمتی و صدرایی، ۱۳۹۱: ۹-۱۰۷). ورودی آرامگاه‌های زیرزمینی کم‌عرض و کوتاه است. در آرامگاه وستمین از طریق یک دالان به اتاق قبر می‌رسیم که چنین دالانی در ولیران شناسایی نشد. آرامگاه‌های وستمین در داخل بافت خاک رس فشرده و آرامگاه ولیران در بستری از کنگلومرا ایجاد شده است. از نظر پوشش آرامگاه‌های وستمین گنبد خاکی دارد. سقف آرامگاه ولیران نیز به شکل هلالی است. بر مبنای سکه‌های مکشوفه، قدمت آرامگاه ولیران به اواخر سده‌ی دوم تا اواسط سده‌ی اول پیش از میلاد (نعمتی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳-۱۲۲) و آرامگاه‌های وستمین به سده‌ی اول پیش از میلاد باز می‌گردد (Karamian, 2018: 38).

### ۲.۱. آرامگاه‌های صخره‌ای

آرامگاه‌های صخره‌ای خارک و تنگ‌دز اندیکا در دل صخره‌های آهکی کنده شده‌اند. پلان آرامگاه‌های صخره‌ای متفاوت است. به طوری‌که پلان آرامگاه‌های خارک از یک ورودی، دهلیز یا هستی، ورودی با تاق‌های سه‌گانه و صحن مرکزی تشکیل شده است. ورودی تاق‌دار سه‌گانه، فضای هستی را به صحن ارتباط می‌دهد. در سه طرف فضای مرکزی، لوکولی‌هایی (Loculi) (تاقچه‌های طولی که در ادبیات باستان‌شناسی به لوکولی معروف‌اند) برای تدفین قرار گرفته است (Haerink, 1975: 140-141). تاق میانی ورودی سه‌گانه، بر دو ستون آزاد قرار می‌گرفتند که امروزه اثری از آنها برجای نمانده است. این آرامگاه‌ها اجساد زیادی را در خود جای می‌دادند و بارها از آنها استفاده می‌شد. گوردخمه‌ی تنگ‌دز نیز ترکیب ساده‌ای دارد و از یک اتاق بزرگ ستون‌دار و اتاقکی در کنار آن تشکیل شده است (سرداری زارچی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴-۷۳). سقف آرامگاه‌ها در تنگ‌دز مسطح و در خارک هلالی است. در تنگ‌دز ستون‌ها به صورت آزاد و سقف آرامگاه مسطح و تداعی‌کننده‌ی فضای ایوان است.

گونه آرامگاه‌های دست‌کند (دخمه‌ای)				
صخره‌ای			سردابه‌ای	
تنگ دز	خارک (شرقی)	خارک (جنوبی)	وستمین	ولیران
				

تصویر ۳. پلان گونه آرامگاه‌های دست‌کند

آرامگاه‌های ولیران، وستمین و تنگ‌دز ساده و فاقد تزئینات‌اند. در مقابل آرامگاه‌های خارک با تزئینات و تجمل بیشتری ساخته شده‌اند. نمای آرامگاه جنوبی با نقوش هندسی به شکل مثلث و تزئینات دندانه‌ای و نمای آرامگاه شرقی با تاق‌نما، ستون‌نما و پنجره‌های

کور تزئین شده است. فضای داخلی آرامگاه‌ها نیز با نقوش انسانی، گیاهی، شاخ و برگ‌های مو و عناصر معماری شامل نیم‌ستون تزئینی، تاق‌نما و تزئین دندان‌های در حاشیه سقف‌ها و حجره‌ها آراسته شده است. در انتهای صحن مرکزی آرامگاه جنوبی، صحنه‌ی ضیافت در زیر یک تاق‌نما حجاری شده است. در این صحنه مردی بر یک تخت لمبیده است و افرادی در اطراف تخت ایستاده‌اند. همچنین نقش دیگری در انتهای این آرامگاه در حاشیه سمت راست ورودی حجره وجود دارد که فرد ایستاده‌ای را در بالای یک نیم‌ستون و گوی نشان می‌دهد و ظاهراً قرینه‌ای نیز در سمت چپ داشته است (Haerink, 1975: 142-144; Steve, 2003: 54-57). تعیین تاریخ دقیق برای آرامگاه الیمایی تنگ‌دز دشوار است. قدمت آرامگاه‌های خارک نیز به سده‌ی اول و دوم میلادی باز می‌گردد (Haerink, 1975: 137).

## ۲. آرامگاه‌های دست‌ساز

آرامگاه‌های دست‌ساز یا ساختمانی، با مصالح بوم‌آورد در سطح و یا در زیرزمین ساخته شده‌اند و فرم‌های متنوعی دارند. آرامگاه‌هایی که به صورت آزاد در سطح زمین ایجاد شده‌اند شامل: آرامگاه‌های رواق‌دار، چلیپایی، راست‌گوشه، برجی، سنگ‌چین و آرامگاه‌هایی که در زیرزمین ساخته شده‌اند از نوع سردابه‌ای و چاهی است.



تصویر ۴. گونه‌های آرامگاه‌های دست‌ساز یا ساختمانی

## ۱.۲. آرامگاه‌های هم‌سطح زمین

این‌گونه از آرامگاه‌ها به پنج نوع شامل: رواق‌دار، چلیپایی، راست‌گوشه، برجی و سنگ‌چین تقسیم می‌شوند که در ذیل به تشریح آنها می‌پردازیم.

### ۱.۱.۲. آرامگاه رواق‌دار

آرامگاه نساء در دیوار شمال شرقی شهر نساء جدید در حدود سده‌ی سوم یا دوم پیش از میلاد ایجاد شده است. نمای آرامگاه به صورت رواق ستون‌دار و به سبک ایونی با دو ردیف ستون ساخته شده است. ردیف جلو به صورت ستون آزاد و ردیف دوم بر بالای پنج رشته پلکان که سرتاسر نمای آرامگاه را در بر گرفته، به صورت ستون‌نما ایجاد شده است. دسترسی به داخل آرامگاه از طریق یک رشته پلکان دو طرفه است. فضای داخلی آرامگاه شامل اتاقی چهارگوش یا صحن مرکزی است که اطراف آن را اتاق‌های تدفینی دربر گرفته و حجره‌هایی برای قرار دادن تابوت در آنها تعبیه شده بود (Colledge, 1977: 60-61). کالج، ۱۳۷۴۱: ۹۸).

### ۲.۱.۲. آرامگاه چلیپایی

ساختمان راست‌گوشه‌ی شماره‌ی VII قومنس از بیرون طرحی چلیپایی را نشان می‌دهد. در مرکز هر ضلع بنا، یک بیرون‌زدگی دارد. اتاق‌های باریک و درازی از طبقه‌ی اول بنا شناسایی شده که بقایای فراوانی از استخوان‌های انسانی و حیوانی به طور پراکنده از کف و یا عمق مخازن راست گوشه‌ی اتاق‌های آن به دست آمده است. این بنا از خشت ساخته و سقف اتاق‌های آن نیز از خشت و به صورت تاق‌پوش از نوع پله‌ای بالارونده با رأس مثلثی یا هلالی قالب‌زده اجرا شده است. این بنا مربوط به نیمه‌ی اول سده‌ی اول پیش از میلاد است (Hansman & Stronach, 1970: 41-8).

### ۳.۱.۲. آرامگاه‌های راست گوشه

در کنار آرامگاه رواق‌دار نساء، گورستان شهر نساء قرار دارد. مقابر آن از ساختارهای راست گوشه‌ی بزرگ خشتی تشکیل شده که با خشت ساخته شده‌اند. داخل هر یک از آنها، یک یا دو اتاق تاق‌دار تدفینی قرار دارد. دیوارها و کف‌ها با اندود قرمز پوشانده شده‌اند. آرامگاه‌های نساء در اواخر سده‌ی سوم - اوایل سده‌ی دوم پیش از میلاد ساخته شده‌اند و تا اواخر دوره‌ی اشکانی، احتمالاً حتی تا اوایل دوره‌ی ساسانی ثروتمندان از آن استفاده می‌کردند (Olbrycht, 2017: 306-308).

در گلالک شوشتر دو آرامگاه شماره‌ی ۴ و ۵، پلان ساده چهارگوش مربع دارند و شامل یک اتاق است و سکوی تدفین ندارد. هر دو آرامگاه با آجر و ملات گچ ساخته شده و داخل آن با لایه‌ای از گچ اندود شده‌اند. طرفین ورودی آرامگاه‌ها با نیم ستون‌های گچی تزئین شده است. از پوشش سقف آرامگاه‌ها شواهدی به دست نیامد. قدمت این مقابر سده‌ی اول میلادی تخمین زده شده است (رهبر، ۱۳۷۶: ۱۸۸-۱۸۵).

در شهر هترا، مقابر زیادی به شکل مربع و مستطیل ساخته شدند. آرامگاه‌های هترا از یک طبقه‌ی همکف تشکیل شده است که گاهی به آن طبقه‌ی فوقانی اضافه می‌شد. فضای داخلی آنها شامل چند اتاق تدفین است که به صورت متقارن سازماندهی شده‌اند. پوشش سقف‌ها به صورت تخت، تاق‌دار و مانند گنبد است. در ساخت مقابر هترا از بلوک‌های سنگی تراش‌خورده استفاده شده است. نمای خارجی آنها با ستون‌نما تزئین شده‌اند. این آرامگاه‌ها در سده دوم میلادی تاریخ گذاری شده اند (Metzger, 2000).

آرامگاه‌های شهر آشور نیز تقریباً شکل مربع دارند و از سه تا شش اتاق تدفین تشکیل شده‌اند. پلان آنها شبیه مقبره‌های هترا است، اما هیچ‌کدام طبقه‌ی فوقانی ندارد. مقابر آشور از آجر و ملات گچ ساخته و با گچ اندود شده‌اند. پوشش اتاق‌ها از نوع تاق گهواره‌ای است. بزرگترین آرامگاه آشور، پلان پیچیده‌تری نسبت به دیگر مقابر دارد. به طوری که پلان آن شامل دالان ورودی، یک اتاق بزرگ مرکزی و راهروی گردشی - که اتاق بزرگ را در میان گرفته - و هشت اتاق است که به صورت قرینه در سه طرف راهرو قرار

گرفته‌اند. این آرامگاه‌ها در سده دوم میلادی تاریخ گذاری شده‌اند. (Andrae & Lenzen, 1933: 99-101).

هم‌چنین در گورستان‌های پالمیر، مقابری از سده‌ی دوم میلادی به شکل مربع به دست آمده‌اند که به آرامگاه خانگی و آرامگاه معبد معروفند. این آرامگاه‌ها از سنگ‌های آهکی تراش‌خورده ساخته شده‌اند. آرامگاه خانگی از یک پیشخان جلوآمده و اتاق قبر تشکیل شده است که در امتداد دیوارهای جانبی آن و در زیر کف، لوکولی‌هایی در دو سطح وجود دارد. قطعات حجاری‌شده‌ای از عناصر تزئینی معماری مانند قرنیز، تاقچه، نیم‌ستون و نیز صحنه‌های ضیافت به دست آمد. در امتداد آرامگاه معبد نیز از سه سمت لوکولی‌هایی قرار گرفته‌اند. در نمونه‌ی دیگری، پیشخان ورودی آرامگاه به شکل یک رشته پلکان و نمای خارجی آن با ستون‌نما تزئین شده است و در هر ضلع داخل آن لوکولی‌هایی قرار دارد (Al-Asad, 2013: 17-18). هم‌چنین در شمال غربی شهر پالمیر و در انتهای خیابان ستون‌دار شهر، یک مقبره به شکل معبد مربوط به خانواده‌ی سلطنتی قرار دارد که نمای آن به صورت رواق ستون‌داری به سبک کرتنی است و به اتاق بزرگی راه می‌یابد که از طریق پله‌هایی به اتاق‌های تدفین در زیر آن منتهی می‌شود. این بنا در اواخر سده دوم یا اوایل سده سوم میلادی تاریخ گذاری شده است (Denker, 2017: 568).

#### ۴.۱.۲. آرامگاه‌های برجی

این‌گونه مقابر عمدتاً در قلمرو غربی شاهنشاهی اشکانی شناسایی شده‌اند. آرامگاه‌های برجی فراوانی از گورستان‌های شهر پالمیر و بر فراز تپه‌های کوچک قرار دارند. این آرامگاه‌ها، بناهای بلند به شکل مکعب یا مکعب مستطیل‌اند که احتمالاً بیش از ۱۰ متر ارتفاع دارند. معمولاً در چندین طبقه ساخته شده‌اند و با یک رشته پلکان به یکدیگر مرتبط می‌شوند. داخل برج‌ها شامل چندین اتاق طویل و باریک است که یکی بالای دیگری قرار گرفته و لوکولی‌هایی در جوانب طولی اتاق‌های آن تعبیه شده است (De Jong, 2019: 35).

مقابر برجی پالمیر در دو نوع از سنگ‌های تراش‌خورده‌ی مکعبی و نیز سنگ‌های زمخت کوهی چند وجهی ساخته شده‌اند. قاعده‌ی برخی از آنها به صورت پله‌دار و دارای یک درگاه ورودی است. پوشش مقابر به صورت مسطح است و انتهای آنها به قرنیزهای رو به بیرون ختم می‌شود. فضای داخلی آنها از اتاق‌های طولی تشکیل شده که با پله‌های چرخشی به طبقات دیگر راه می‌یابند. در داخل و جوانب اتاق‌های بلند و کشیده، شاخه‌های تدفینی منشعب شده که به صورت لوکولی‌هایی به صورت تاچه‌های طولی یا تورفتگی‌هایی در دل دیوار تعبیه شده است. دیوارهای داخلی مقابر با نقوش خانوادگی و پیکره‌های افراد متوفی تزئین شده است که بر تخت لمیده‌اند. این نقوش به صحنه‌های ضیافت معروفند. بر سنگ قبرها نیز نیم تنه‌های متوفیان حجاری شده است. در میانه‌های نمای خارجی برخی از برج‌ها، تاچه‌هایی تعبیه شده که داخل برخی از آنها مزین به نقش برجسته است. هم‌چنین شواهدی از نقاشی دیواری شامل نقوش گیاهی (گل و برگ، درخت انگور، تاج گل)، نقوش انسانی (الهه‌ی نیکه، دیونیسوس، پرتله‌های قاب‌بندی‌شده) و عناصر معماری (ستون‌نما، تاق‌نما، قرنیز) بر بالا و طرفین لوکولی‌ها و نیز سقف آرامگاه دیده می‌شود. شماری از آنها نیز خانوادگی‌اند. مقابر پالمیر طرح یکنواختی دارند و در بازه زمانی سده‌ی اول پیش از میلاد تا اواسط سده‌ی دوم میلادی قرار می‌گیرند (Henning, 2013).

هم‌چنین در منطقه‌ی فرات میانی، شمار اندکی از بقایای مقابر برجی چهارگوش در حاشیه‌ی گورستان شهر دوراروپوس کشف شده‌اند. همگی آنها از بلوک‌های سنگی ساخته و اندود شده‌اند. پایه‌های مقابر پله‌دار است و در داخل پلکان چرخشی دارند و لوکولی‌هایی در آنها تعبیه شده است. برای آنها تاریخی از اواسط سده‌ی اول پیش از میلاد تا حدود اوایل یا اواسط سده‌ی اول میلادی تعیین شده است (Mackay, 1949: 85-86; Brendel, 1949: 124-125; De Jong, 2017: 245). در کاوش‌های مَلِیحَه شارجه نیز آرامگاه‌های برجی به دست آمده‌اند. نمای خارجی اضلاع آنها با دو تا چهار ستون تزئین شده‌اند. چیدمان بخش فوقانی برج‌ها مشخص نیست. روی گودال تدفین، بنای چهارگوش برج مانندی از خشت و آجر با چند متر ارتفاع قرار دارد و بالای آن با کنگره‌های پلکانی

تزیین و نمای خارجی دیوار با گچ اندود شده است. به نظر می‌رسد حداقل ارتفاع برج مقابر ملیحه ۳/۵ متر یا بیشتر باشد. دیوارهای برج رو به عقب خوابیده و به طرف بالا باریک شده است. این آرامگاه‌ها به سده‌ی اول تا دوم پیش از میلاد تاریخ‌گذاری شده‌اند (Overlaet & Haerinck, 2014; Overlaet, 2015: 8-14).

### ۵.۱.۲. آرامگاه‌های سنگ‌چین

آرامگاه‌های سنگ‌چین در جنوب و جنوب شرق ایران (بلوچستان، نیکشهر و چابهار، بردسیر کرمان، جزیره‌ی قشم)، بلوچستان پاکستان و سواحل جنوبی خلیج فارس (منطقه‌ی دیبا در شارجه) پراکنده‌اند. این آرامگاه‌ها بر دامنه‌ی کوه‌ها و یا بر فراز تپه‌ها و صخره‌ها قرار دارند و با استفاده از سنگ‌های لاشه و بدون ملات به شکل خشکه‌چین ساخته شده‌اند. به طور کلی پلان آرامگاه‌های سنگ‌چین به شکل چهارگوش، دایره و بیضی‌اند. سنگ‌های به کار رفته در ساخت آرامگاه‌ها از نوع تخته سنگ‌های نامنظم کوهی است (خسروزاده، ۱۳۸۶). در بلوچستان ایران، مانند محوطه‌ی دمب‌کوه، ترکیب آرامگاه‌ها از یک ورودی کوتاه و اتاقک تدفین تشکیل شده است. فضای داخلی تدفین دارای پوشش مسطح از سنگ‌های ورقه‌ای بلند است. ارتفاع باقی‌مانده‌ی دیوارهای سنگ‌چین آرامگاه ۱/۵ متر است که با توجه به حجم سنگ‌های تخریب‌شده در اطراف آرامگاه‌ها، به نظر می‌رسد بلندی واقعی آنها بیش از این باشد. بر اساس سفال‌های سطحی موجود در محوطه‌ی آرامگاه‌ها، این بنا مربوط به دوره‌ی اشکانی است (شیرازی و دیگران، ۱۳۹۲؛ هاشمی زرج آباد و دیگران، ۱۳۹۳) در منطقه‌ی کرمان، آرامگاه‌های استوانه‌ای سنگ‌چین، ورودی و پنجره‌ی کوچکی در دیواره و سقفی قوسی دارند. بلندی دیوار سنگ‌چین آنها به بیش از دو متر می‌رسد. در جزیره‌ی قشم نیز مشابه این گورها شناسایی شده است (خسروزاده، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۰). در دیبای شارجه نیز آرامگاهی راست‌گوشه متعلق به دوره‌ی اشکانی با دیوارهای قطور سنگ‌چین شامل یک ورودی کوتاه و اتاق تدفین به دست آمده که پوشش سقف آنها به صورت تاق بشگه‌ای است (Jasim, 2006: 215-19). در بسیاری از محوطه‌های گورستانی، سفال‌های گونه‌ی نامرد و لوندو دیده شده است که محققان آنها را به بازه زمانی دوره‌ی اشکانی و اوایل ساسانی مربوط می‌دانند (خسروزاده، ۱۳۸۶).

۹۳-۹۴). به لحاظ ساختاری، آرامگاه‌های سنگ‌چین دو گونه‌اند. در نوع اول، آرامگاه‌های چهارگوش یک فضای مرکزی را در میان گرفته‌اند و تخته سنگ‌های بلندی روی آنها را پوشانده‌اند. ساختار فوقانی این مقابر احتمالاً به شکل خرپشته‌ای متشکل از توده‌های سنگ‌چین است و یا مانند نمونه‌ی دیبا به صورت تاق هلالی است. نوع دوم، شامل آرامگاه‌هایی با دیوار چینی مدور یا بیضی به شکل استوانه و سقف قوسی است.

گونه‌های آرامگاهی دست‌ساز (ساختمانی) - آرامگاه‌های هم‌سطح زمین				
سنگ‌چین	برجی	راست‌گوشه	چلیپایی	رواق‌دار
 کرمان	 پالمیر	 نساء	 قومس	 نساء
 بلوچستان	 دورا اروپوس	 گالاک	 قومس	
 قشم	 ملیحه	 هترا		
 دیبا		 آشور		
		 پالمیر		

تصویر ۵. گونه‌های منتخب آرامگاه‌های دست‌ساز یا ساختمانی هم‌سطح زمین

## ۲.۲. آرامگاه‌های زیرزمین

یکی دیگر از شیوه‌های آرامگاه‌سازی در دوره‌ی اشکانی ساخت آرامگاه‌های زیرزمینی با مصالح ساختمانی است. این آرامگاه‌ها به دو گونه‌ی آرامگاه‌های سردابه‌ای و چاهی تقسیم می‌شوند. این مقابر در خوزستان، مرکز و جنوب عراق، امارات و سوریه به دست آمده‌اند.

### ۱.۲.۲. آرامگاه‌های سردابه‌ای

آرامگاه‌های سردابه‌ای در شوش، گالاک شوشتر، صالح داوود، آشور، سلوکیه، مسجد سلیمان، شمی، اددور و پالمیر به دست آمده است. آرامگاه‌های سردابه‌ای با استفاده از آجر و ملات گچ و یا با سنگ ساخته شده‌اند. ترکیب کلی آرامگاه‌های شوش (Bucharlat & Haerinck, 2011; Bucharlat, 2019)، گالاک شوشتر (رهبر، ۱۳۷۶) و صالح داوود (رهبر، ۱۳۹۱) از یک رشته پلکان کم‌عرض با زاویه‌ی تند، و اتاق قبری راست‌گوشه در محور یا عمود بر ورودی آرامگاه تشکیل شده است. در نمونه‌های شوش، یک دالان یا هشتی بین ورودی و اتاق قبر قرار دارد. فقط در یک مورد در سمت راست و چپ پلکان و قبل از اتاق قبر، سه لوکولی ایجاد شده است. اتاق قبر پوشش تاق‌دار دارد و در امتداد دیوارها، سکوهایی برای تدفین ساخته شده است. سطوح داخلی آرامگاه‌ها با لایه‌ای از گچ اندود شده است. برخی از آرامگاه‌ها تاقچه‌های تزئینی و نیز نیم‌تنه‌های گچی و برخی دیگر، محفظه‌هایی (استودان) برای نگهداری استخوان دارند. رهبر، آرامگاه‌های گالاک را به سده‌ی اول میلادی (رهبر، ۱۳۷۶: ۱۸۸-۱۸۵) و آرامگاه صالح داوود را به نیمه‌ی دوم سده‌ی اول میلادی تا سده‌ی دوم میلادی تاریخ‌گذاری کرده و آنها را به الیمایی‌ها نسبت داده است (رهبر، ۱۳۹۱: ۳۱۴). آرامگاه‌های سردابه‌ای شوش در غرب شهر صنعتگران قرار دارند و برای آنها تاریخ اواخر سده‌ی اول میلادی تا سده‌ی دوم میلادی پیشنهاد شده است. در برخی از آرامگاه‌های شوش، پلکان ورودی و اتاق قبر در یک زاویه‌ی نود درجه نسبت به یکدیگر قرار دارند (Bucharlat, 2019; 51-2). آرامگاه‌های سردابه‌ای آشور نیز به سده‌ی دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده است

(Andrae & Lenzen, 1933: 97-98). در شهر سلوکیه نیز مقابر سردابه‌ای خانوادگی به دست آمده است که از طریق یک رشته پلکان با زاویه‌ی تند به اتاق تدفین تاق‌پوش راه می‌یابد (کالج، ۱۳۷۴: ۹۷).

آرامگاه سردابه‌ای در ۱۶ میلی مسجد سلیمان که مربوط به الیمایی‌هاست، در بین تپه ماهورها ساخته شده و شامل یک ورودی و اتاق قبر با تاق هلالی است (سرداری زارچی، ۱۳۹۳: ۷۱). تنها آرامگاه‌های شمی از سنگ‌های کوهی قواره‌شده به صورت خشکه‌چین و با پوشش دو شبیه یا خرپشته‌ای ساخته شده است. این آرامگاه‌ها در اطراف صدفه‌های آئینی کل‌چندار در دره‌ی شمی واقع شده‌اند. ترکیب آنها از راهرو پله‌دار، یک درگاه، و اتاق قبر راست‌گوشه تشکیل شده که در امتداد دیوارهای آن سکوه‌های تدفین قرار گرفته است. این آرامگاه‌ها به خانواده‌های اشراف الیمایی تعلق دارد که در اطراف عبادتگاه‌هایشان بوده است. از نکات جالب این آرامگاه‌ها به دست‌آمدن دره‌های سنگی در دو آرامگاه است (Messina & Mehrkian, 2014; 73-74; Mehrkian & Messina, 2020: 299-301; Mehrkian & Messina, 2018: 299-301; مهرکیان و مسینا، ۱۳۹۳). در دوران روم نیز مقابر سردابه‌ای فراوانی در خارج از حصار غربی شهر به دست آمد. طرح آنها از پلکانی باریک، یک فضای مرکزی چهارگوش و لوکولی‌هایی (تاقچه‌های تدفینی) در اطراف آن تشکیل شده است. این مقابر عمدتاً خانوادگی و گروهی استفاده می‌شدند و در محدوده زمانی سده‌ی دوم پیش از میلاد تا اواسط سده‌ی سوم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند (Stoilova, 2020: 203; Matheson, 1992: 132; Brendel, 1949: 123-125). شماری از آرامگاه‌های اددور در ام‌القویین امارات نیز با سنگ‌های ساحلی ساخته شده و به سده‌ی اول و دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده است. ترکیب آنها از یک راهرو یا راهرو پله‌دار و اتاق قبر راست‌گوشه تشکیل شده‌اند. پوشش سقف آنها از تخته سنگ‌های بزرگ و در مقابر بزرگ به صورت تاق‌دار بوده است. فضای داخلی آنها مفروش و اندود شده و شواهدی از رنگدانه‌ی قرمز نیز به دست آمده است (Haerinck et al, 1993: 183-84). از اواخر سده‌ی اول میلادی، بزرگترین و مجلل‌ترین

آرامگاه‌های سردابه‌ای با تزئینات فراوان حجاری و نقاشی در پالمیر ساخته شدند. اکثر آنها به سده‌ی دوم میلادی تعلق دارند. معروف‌ترین آنها شامل آرامگاه‌های سه برادران، ایرهایی، لیشمش، نسرلات، اردوان و تیبول است که با استفاده از سنگ تمام‌تراش ایجاد شده‌اند. پلان اکثر آنها به شکل حرف T معکوس و شامل پلکان ورودی و یک هشتی است که به راهروهایی با تاق گهواره‌ای باز می‌شود. در اطراف راهروها، لوکولی‌هایی در چندین طبقه تعبیه شده است ( ; Amy & Seyrig, 1936; Buisson et al, 2015: 2-4; Gawlikowski, 2005: 51-52, fig. 10).

#### ۲.۲.۲. آرامگاه‌های چاهی

مقابر چاهی از جنوب شرقی شهر شاهی شوش به دست آمده است. ساختار این مقابر از یک میله‌ی عمودی به عمق ۱۰ تا ۱۵ متر و یک اتاق قبر به شکل حرف L تشکیل شده است. ابتدا یک میله‌ی عمودی در زمین حفر و سپس در انتها با یک زاویه‌ی نود درجه به یک اتاق بزرگ منتهی می‌شود. آرامگاه چاهی شوش با آجر و پوشش سقف به صورت تاق‌دار اجرا شده است (Bucharlat & Haerinck, 2011: 15-16).

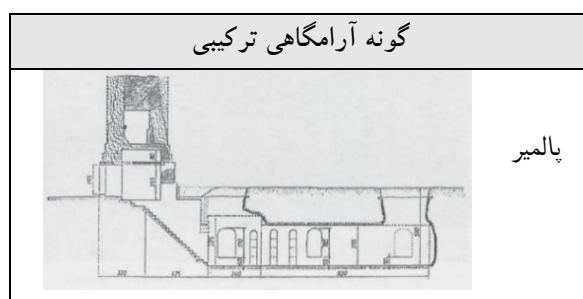
گونه‌های آرامگاهی دست‌ساز (ساختمانی) - آرامگاه‌های زیرزمین

سرده‌ای	شوش	گل‌لک	صالح داوود	مسجد سلیمان	شمی	آشور	اددور	دورالروپوس	پالمیر	سلوکیه
										
	شوش									
شاهی										

تصویر ۶. گونه‌های منتخب آرامگاه‌های دست‌ساز یا ساختمانی زیرزمین

### ۳.۲. آرامگاه‌های ترکیبی

گروه سوم آرامگاه‌های دست‌ساز شامل آرامگاه‌های ترکیبی است. این آرامگاه‌ها از تلفیق آرامگاه برجی با آرامگاه سردابه‌ای ایجاد شده است. این گونه از آرامگاه‌ها تنها در پالمیر به دست آمده‌اند. آرامگاه‌های ترکیبی از طریق یک راه پله‌ی زیرزمینی که در مرکز آرامگاه برجی ایجاد شده است، به آرامگاه سردابه‌ای منتهی می‌شود. این فضا از یک هشتی، تالاری شرقی-غربی در محور ورودی و تالاری شمالی-جنوبی عمود بر آن تشکیل شده است. در بدنه‌ی تالارهای T شکل، لوکولی‌هایی برای تدفین در چندین طبقه تعبیه شده است (Colledge, 1977: 61; Gawlikowski, 2005: 50-51, fig, 8-9). پوشش تالارها به صورت تاق‌دار از نوع گهواره‌ای است. ویژگی برجسته‌ی این آرامگاه‌ها تزئینات آنهاست. به طوری که بیشترین عناصر تزئینی را در بین آرامگاه‌ها دارند. نمای داخلی آنها از حجاری افراد متوفی پوشیده است و عناصر معماری مانند تاق‌نما و ستون‌نما و نقاشی روی گچ با نقش‌مایه‌های انسانی، گیاهی و هندسی دارد.

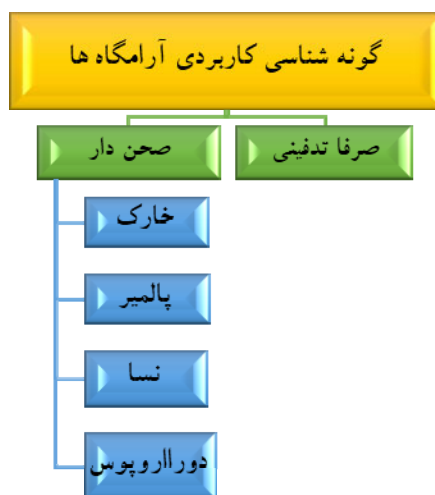


تصویر ۷. گونه آرامگاهی ترکیبی

### گونه‌شناسی کاربردی آرامگاه‌های اشکانی

ساخت آرامگاه‌هایی با معماری چشم‌گیر و متنوع به افراد فرادست جامعه‌ی اشکانی اختصاص داشت. این آرامگاه‌ها به مثابه‌ی جایگاه ابدی خانوادگی و گروهی متوفیان به شمار می‌رفت و به دفعات در تدفین‌های ثانویه استفاده می‌شد. بناهای آرامگاهی از لحاظ کاربری به دو گونه تقسیم می‌شوند. گونه‌ی اول، بناهایی است که صرفاً برای تدفین استفاده

می‌شد. این‌گونه از آرامگاه‌ها تنها شامل فضا یا فضاهایی‌اند که در داخل آنها لوکولی، سکو، تابوت یا قبری برای تدفین ایجاد شده است. بیشتر آرامگاه‌ها در این گروه قرار می‌گیرند. گونه‌ی دوم، شامل آرامگاه‌هایی است که علاوه بر فضای تدفین، فضای مرکزی و عمومی، و یا صحن وسیعی دارند که احتمالاً برای برگزاری آئین‌هایی در ارتباط با مناسک تدفین مردگان و یا برای اجرای مراسم یادبود مانند پیشکش نذورات، خواندن دعا و طلب آمرزش روان مردگان و آئین‌های مشابه در زمان‌ها و مناسبت‌های خاصی از سال از آنها استفاده می‌شد، اما از کیفیت و چگونگی آنها آگاهی نداریم. آرامگاه معبد یا آرامگاه‌هایی که کارکرد دوگانه تدفینی - نیایشی دارند، شامل آرامگاه‌های رواق‌دار نساء، آرامگاه‌های سردابه‌ای پالمیر و دوراروپوس و آرامگاه‌های صخره‌ای خارک می‌شوند. همچنین نوع دیگر آن از اوایل سده‌ی سوم میلادی در گورستان غربی پالمیر شناسایی شد. این آرامگاه معبد، پلان چهار گوش دارد و به نام شماره‌ی ۳۶ نام‌گذاری شده است. تالار مرکزی آن از چهار سمت با یک ردیف ستون و راهرویی چرخشی محصور شده و در چهار طرف آن، لوکولی و محراب‌هایی ساخته شده است (Cormack, 1994).



تصویر ۸. نمایش گرافیکی گونه‌های کاربردی آرامگاه‌ها

## بحث

از لحاظ ساختار معماری، آرامگاه‌های مدور زیرزمینی در نوع خود جالب توجه‌اند. به تازگی موارد مشابه‌ای از این نوع آرامگاه‌ها، از گورستان ولیم در محدوده‌ی سد گِلورد نکا در بهشهر گزارش شده است. احتمال می‌رود ساختمان این گورها از کورگان‌های قبایل آسیای میانه متأثر و این سنت، از طریق پارنی‌ها به ایران انتقال یافته باشد. در این آرامگاه‌ها اجساد در سردابه‌ها و اتاق‌های تدفینی قرار داده می‌شد. گورهای سردابه‌ای از سده‌ی چهارم پیش از میلاد تا سده‌ی پنجم میلادی متداول بود (زادنیروفسکی، ۱۳۷۶: ۳۳۹-۳۲۷). احتمالاً با توجه به منشأ پارنی‌ها که از اقوام سکایی بودند، دور از ذهن نیست که از رسوم فرهنگی و تدفینی سکاهای متأثر باشند. استفاده از پلان گرد در ساخت تالار مدور نساء دیده می‌شود و سقف آن با پوشش گنبدی بازسازی شده است (Grenet, 2015: 26-27). فارغ از دست‌کند یا دست‌ساز بودن آرامگاه‌های زیرزمینی، عناصری از آرامگاه ولیران-مانند استفاده از سکوهای تدفین که در داخل اتاق گور سازماندهی شده‌اند- با آرامگاه‌های صخره‌ای (برد گوری) در مناطق باغملک، ایزده و بازفت و آرامگاه‌های سردابه‌ای گلالک شوشتر، صالح داوود و شوش قابل قیاس است. آرامگاه‌های صخره‌ای نیز با برخی از گوردخمه‌های غرب ایران مانند فخریکا شباهت دارند، با این تفاوت که در داخل آنها قبری شناسایی نشده است. البته نمای برخی از آرامگاه‌های صخره‌ای مانند چمناف در بهبهان تداعی‌کننده‌ی ایوان ستون‌دار نیستند و تنها ورودی کوچکی به شکل مستطیل دارند که اطراف آن را قاب‌های تودرتوی تزئینی گرفته است و ناخودآگاه نمای گوردخمه‌های اسحاق‌وند، دکان داوود و شمس‌آباد را به ذهن متبادر می‌کند. ریشه‌ی این نوع تزئین به درگاه‌های هخامنشی مانند کاخ تچر باز می‌گردد. آرامگاه‌های صخره‌ای خارک از نظر ساختار معماری، ترتیب لوکولی‌ها و حجره‌های تدفینی، مشابه آرامگاه‌های صخره‌ای پادشاهی نبطی در پترا مربوط به سده‌ی اول میلادی- و مقابر دوره‌ی بطلمیوسی اسکندریه است (Wadson, 2011: 2013) و به لحاظ نقوش شاخص حجاری شده یعنی، صحنه‌ی ضیافت، همانند نقوش آرامگاه‌های پالمیر است

(Will, 1951). به طور کلی گونه‌بندی مقابر زیرزمینی را می‌توان به دو گروه سردابه‌ای سکودار و سردابه‌ای لوکولی‌دار تقسیم کرد.

به نظر می‌رسد سبک معماری آرامگاه نساء ترکیبی از سنت‌های هلنی و آسیای مرکزی باشد. رواق ایونی و سکوی پلکانی نمای آرامگاه نساء متأثر از معماری مقابر هلنی در آناتولی است (Rice, 2016). مشابه این ستون‌ها در آرامگاه قیزقاپان و دائودختر نیز دیده می‌شود. فضای راست‌گوشه‌ی داخلی آرامگاه نساء در دنیای یونانی سابقه ندارد و برای اولین بار در آسیای مرکزی ظاهر شد. چنان‌که در آی‌خانم، این فضا متشکل از چند دهلیز کوچک در دو طرف یک راهرو میانی است (برنارد، ۱۳۷۵: ۱۳۴). بعدها شیوه‌ی حجره‌های تدفینی در سراسر شاهنشاهی اشکانی روشی معمول شد (کالج، ۱۳۷۴: ۹۸). در مقابر سردابه‌ای دورا اروپوس، اجساد متوفیان در لوکولی‌ها قرار می‌گرفت (Stoilova, 2020: 203). گرچه برخی از محققان احتمال منشأ سوری - فنیقی را برای این نوع مقابر مطرح کرده‌اند (Brendel, 1949: 124).

گونه‌ی تازه‌ی دیگری که برای معماری آرامگاهی مرسوم شد، استفاده از طرح چلیپا در ساخت نمای بیرونی مقبره‌ی قومس است. شکل چلیپا از الگوهای کهن در معماری ایرانی است که در بناهای مذهبی قبل از اسلام بسیار به کار رفته است. این شکل در بناهای آرامگاهی نیز شناخته شده است چنان‌که در نمای آرامگاه‌های نقش رستم دیده می‌شود و به ویژه در مقابر دوران اسلامی کاربرد زیادی می‌یابد. فضای داخلی آرامگاه نیز متشکل از اتاق‌های باریک و دراز تدفینی است که به موازات همدیگر قرار گرفته‌اند. مشابه چنین ساختارهای تدفینی مربوط به دوره‌ی اشکانی و ساسانی از مرو گزارش شده است (Kaim & Kornacka, 2016: 54-59). هم‌چنین تکنیک تاق‌زنی قومس در محوطه‌ی کوی کریلگان‌کالا مربوط به اوایل دوره‌ی اشکانی دیده می‌شود. ساختار اتاق‌های تدفینی یا لوکولی‌های قومس نیز همانند اتاق‌های مقابر نساء است (Hansman, 1968: 123-24). آرامگاه‌های گل‌الک شباهت زیادی به ماکت آرامگاهی مکشوفه از محوطه‌ی معبد کبیر شهر هترا دارد. چنان‌که ساختار آن به شکل اتاق مربعی همراه با نیم ستون‌های تزئینی در

طرفین ورودی است. پوشش آن نیز به صورت گنبدی خاگی ساخته شده است و می‌توان تصور کرد مقابر گلالک نیز احتمالاً چنین پوششی داشته‌اند (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۱۹۶). همچنین کاربرد نیم‌ستون در تزئین نمای خارجی آرامگاه‌های هترا دیده می‌شود.

مقابر برجی غنی در پالمیر نشان‌دهنده‌ی سبک و سنت محلی معماری تدفینی همراه با تأثیرات رومی است و الگوی یکنواختی را نشان می‌دهند. عنصر تزئینی متعارف آنها در بیرون، تاقچه‌ی نقش برجسته‌هاست. از اواسط سده‌ی اول میلادی تا نیمه‌ی اول سده‌ی دوم میلادی، مقابر پالمیر از نظر تزئینات داخلی معماری تغییرات متمایزی نسبت به قبل داشته است (Henning, 2013: 162-63). با وجود اینکه معماری شهر پالمیر متأثر از سبک رومی است و استفاده از تزئینات هلنی در مقابر آن دیده می‌شود اما شناسایی منشأ مقابر برجی به دلیل کمبود مدارک بسیار مشکل است و نمی‌توان به صراحت درباره‌ی الگوی محلی (سوری‌میان‌رودانی) یا ایرانی آن اظهار نظر کرد. از دوره‌ی هخامنشی برج‌های زندان سلیمان و کعبه‌ی زردشت نمونه‌هایی‌اند که برای آنها کاربری آرامگاهی پیشنهاد شده است. همچنین آرامگاه‌های برج‌وار مربوط به بزرگان دوره‌ی هخامنشی در ایونیه، کاریه و لیسیه هم رواج داشته است (شهبازی، ۱۳۷۹: ۹۶-۹۲؛ Goldman, 1965). تداوم چنین بناهایی در برج نورآباد ممسنی معروف به دیمه میل یا میل اژدها، دیده می‌شود. فضای داخلی آن از سه اتاق کوچک و پلکان تشکیل شده و به باور گیرشمن در حدود سده‌ی سوم تا اول پیش از میلاد ساخته شده است (Ghirshman, 1945: 184). مقابر برجی مَلِیْحَه یک حجم توپر است. تکنیک سطوح عقب‌نشسته‌ی دیوارها در مقابر مَلِیْحَه، یک سنت ساختمانی است که در جنوب شرق عربستان ریشه دارد. (Overlaet, 2015: 13).

استفاده از کنگره‌های تزئینی در نمای مقابر برجی نیز در معماری آشوری، ایلامی و هخامنشی ریشه دارد و از طریق اشکانیان به ساسانیان انتقال یافته است. در دوره‌ی ساسانی ساخت برج‌های تدفینی در قالب برج خاموشی ادامه می‌یابد. اگرچه از نظر ساختاری و شکلی تفاوت زیادی بین آنها و مقابر برجی دوره‌ی اشکانی وجود دارد، به لحاظ فکرمایه تداوم سنتی از دوره‌ی هخامنشی و اشکانی به ساسانی را شاهدیم که در

قالب جدیدی عرضه شده است. چنان‌که مقابر برجی اوایل دوران اسلامی مانند مقبره‌ی جاماسب در خفر، برج شبلی در ماوند، گنبد علی در ابرقو و گنبد قابوس در شهرستان گنبد کاووس نیز احتمالاً می‌تواند برج خاموشان دوره‌ی ساسانی را به یاد بیاورد.

بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در مناطق جنوبی و جنوب شرقی ایران، مکران بلوچستان پاکستان و نیز در سواحل جنوبی خلیج فارس و شبه جزیره‌ی عمان نشان داد که سنت ساخت آرامگاه‌های سنگ‌چین، در هزاره‌ی سوم و دوم پیش از میلاد رایج بوده است (Mery, 2010; Bohme, 2012؛ خسروزاده، ۱۳۸۶: ۹۴). تداوم استفاده از آنها تا نیمه‌ی اول هزاره‌ی اول پیش از میلاد، در منطقه‌ی شبوا در یمن نیز دیده شده است (Crassard, 2010). این الگوی معماری آرامگاهی تا دوره‌ی اشکانی مرسوم بوده و تداوم یافته‌است. ویتکامب در کوه‌های پشت قصر ابونصر، گونه‌ای از مقابر مدور به صورت توده، یا کپه‌ای سنگی به ارتفاع ۱/۵ متر شناسایی کرده که داخل آنها از چند محور و اتاق تشکیل شده است. او این نوع مقابر را مشابه مقابر جنوب ایران و مربوط به اواخر دوره‌ی اشکانی می‌داند که تا دوره‌ی ساسانی تداوم یافت (Whitcomb, 1985: 210-16). این مقابر از نظر شیوه‌ی ساخت و ریخت‌شناسی با مقابر سنگ‌چین اشکانی متفاوت‌اند به‌طوری‌که فاقد دیوارهای خشکه چین و فضای داخلی‌اند و تنها با انباشت سنگ روی قبر شکل گرفته‌اند. در واقع قبرهایی‌اند که به صورت پشته‌ای درآمده‌اند. شاید این توده‌های سنگی مدور، در دوره‌ی ساسانی الهام بخش و الگوی برج‌های خاموشی بوده‌اند که در ابعادی بزرگتر اجرا شده‌اند. با توجه به موقعیت قرارگیری مقابر سنگ‌چین که دور از مراکز استقراری و در مسیر راه‌ها و منابع آبی بوده‌اند و همچنین سادگی سازه‌ی مقابر، احتمال می‌رود این مقابر به جمعیت کوچرو قبایلی مربوط باشد که در محدوده‌ی جنوب ایران در حال حرکت بودند.

آرامگاه‌های سردابه‌ای در مناطق جنوب غربی و غرب شاهنشاهی اشکانی بسیار رایج بوده است. این گونه‌ی آرامگاهی، از پرشمارترین و محبوبترین بناهای آرامگاهی به شمار می‌رود که به صورت گروهی یا خانوادگی به دفعات از آنها استفاده شده است. در این میان

آرامگاه‌های سردابه‌ای پالمیر، از نظر ابعاد بزرگ و تزئینات فراوان، نسبت به دیگر آرامگاه‌های سردابه‌ای، بسیار شاخص، پرهزینه و مجلل‌اند و به طبقه‌ی اشراف و ثروتمندان شهر پالمیر اختصاص دارند. سنت ساخت این گونه‌ی آرامگاهی، سابقه‌ای طولانی در میان‌رودان دارد و به هزاره‌ی سوم پیش از میلاد برمی‌گردد. تداوم این سنت در آرامگاه‌های ایلامی چغازنبیل و هفت تپه دیده می‌شود. از این رو، به نظر می‌رسد این سنت در معماری یومی و یادمانی مناطق میان‌رودان و جنوب غربی ایران ریشه داشته است و در دوره‌ی اشکانی نیز الیمایی‌ها و اقوام میان‌رودانی، سوری و جنوب شرقی عربستان استفاده می‌کردند. سنت آرامگاه‌های سردابه‌ای در دوره‌ی ساسانی نیز تداوم می‌یابد. چنان که در کاوش‌های منطقه‌ی برزقواله در رماوند لرستان، آرامگاهی زیرزمینی کشف شد (کرمان، ۱۳۹۴: ۱۰۲). هم‌چنین در روستای آغزک در شمال شهر آشتاراک، آرامگاه سردابه‌ای پادشاهان اشکانی ارمنستان (پادشاهی آرشاکونیاتس) قرار دارد که مربوط به سده‌ی چهارم میلادی است (هوسیپان، ۱۳۹۴). این آرامگاه‌ها از نظر ساختار معماری مشابه آرامگاه‌های اشکانی است و از یک رشته پلکان، درگاه و اتاق قبر راست‌گوشه با تاق هلالی تشکیل شده‌اند. در دنیای هلنی نیز ساخت آرامگاه‌های سردابه‌ای در دل تپه‌ها مرسوم بوده است. برای نمونه، به مقبره‌ی آمفیپولیس (کاستا تومولوس) در شمال یونان مربوط به ربع آخر سده‌ی چهارم پیش از میلاد باید اشاره کرد. هم‌چنین مقبره‌های سردابه‌ای مربوط به دوره‌ی هلنی و رومی، در جزیره‌ی ماکرونیسوس در دریای اژه نیز شناسایی شده‌اند که با وجود اینکه در دل صخره کنده شده‌اند، ترکیب فضایی و چیدمان مشابه‌ای دارند.

در آرامگاه‌های پالمیر، تابوت‌ها داخل دیوار و درون محفظه‌های تدفینی موسوم به لوکولی قرار می‌گرفتند. این شیوه‌ی تدفینی در آرامگاه‌های صخره‌ای خارک و همینطور در نساء نیز دیده شده است. به نظر می‌رسد تدفین در لوکولی‌ها سنت مشترکی است که در طی دوره‌ی اشکانی، ابتدا در نساء دیده و سپس در خارک و پالمیر رایج می‌شود. به تدریج، این سنت به مناطق جنوبی شبه‌جزیره‌ی عربستان نفوذ می‌کند. به‌طوری‌که مقابر

حیدرین عقیل متعلق به پادشاهی مینایی (Minaean) در شمال یمن (مربوط به بازه زمانی سده‌ی اول پیش از میلاد تا سده‌ی اول میلادی)، از ساختار سنگی و پلان راست‌گوشه‌ای تشکیل شده‌اند که لوکولی‌هایی در چپ و راست راهروی مرکزی یا لوکولی‌هایی با راهروی مشترک دارند (Antonioni & Agostini, 2010: 218-19). آرامگاه‌های پالمیر و خارک نسبت به دیگر آرامگاه‌ها که عموماً فاقد تزئینات‌اند، بسیار برجسته و متمایزند. حجاری پیکره‌های متوفیان در میان خانواده‌هایشان معروف به صحنه‌های ضیافت که بر بدنه‌ی آرامگاه‌ها، در زیر تاق‌نماها و بر تابوت‌های سنگی نمایش داده شده‌اند و نیز نیم‌تنه‌های تدفینی که در جلوی لوکولی‌ها نصب می‌شدند، عمده تزئینات را شامل می‌شوند. هم‌چنین بسیاری از آرامگاه‌ها با نقاشی‌های دیواری روی گچ آراسته شده‌اند (Haerinck, 1975; Will, 1951; Audley-Miller, 2016). سنت شمایل‌نگاری‌های تدفینی صحنه‌ی ضیافت، الگوی مشترک آرامگاه‌های قلمرو غربی و جنوب غربی دولت اشکانی است و به دفعات در شماری از آرامگاه‌های صخره‌ای الیمایی اقتباس شده است. اکثر آرامگاه‌ها در گذشته و زمان حاضر از تخریب مضمون نمانده‌اند. از بین بردن مقابر و غارت اشیاء با ارزش آنها موجب از بین رفتن یاد و خاطره مغلوبان و درگذشتگان می‌شد. در واقع از این طریق ریشه‌های هویتی و ارتباط جامعه با اجداد قطع می‌شد. مجازات متوفیان و نبش قبر، سنتی مرسوم در خاور نزدیک باستان بود. انهدام مقابر توسط غارتگران و دشمنان با انگیزه‌های مذهبی یا سیاسی انجام می‌شد (Overlaet, 2015: 6).

#### نتیجه‌گیری

چنان‌که ملاحظه شد در دوره‌ی اشکانی شیوه‌های ساختمانی متنوعی برای تدفین مردگان استفاده می‌شد. بناهای یادمانی برای بزرگداشت و زنده نگه‌داشتن یاد متوفیان ساخته می‌شد و در اکثر مواقع در معرض دید مردم قرار داشت. در واقع این بناها تعاملی میان جامعه زنده و مرده ایجاد و به زنده ماندن سنت‌های فرهنگی در جامعه اشکانی کمک کرده است. این بناها مورد توجه جامعه بودند و فراموش نمی‌شدند و بارها استفاده می‌شدند.

آرامگاه‌ها نشان‌دهنده‌ی پایگاه اجتماعی متوفیان بود و به افراد فرادست جامعه - حاکمان و دولتمردان، بزرگان و اشراف، روحانیون و خانواد‌های آنان که در آرامگاه‌هایی به صورت فردی، گروهی و یا خانوادگی دفن می‌شدند- تعلق داشت. مجموعه‌ای از عوامل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی موجب شکل‌گیری این بناهای یادمانی شده‌اند. متأسفانه اکثر این بناها در گذشته غارت شده و یا در طول زمان دست‌خوش دستبرد و تخریب شده‌اند. شواهد متقنی برای انتساب اکثر آرامگاه‌ها به فرقه‌های مذهبی، گروه قومی یا طبقات اجتماعی در دست نیست. از این رو نمی‌توان به صراحت درباره‌ی گرایش‌های قومی و مذهبی صاحبان آرامگاه‌ها سخن گفت. اما به‌رغم تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی، نوعی یکنواختی و تداوم در سنت‌های تدفینی ملاحظه می‌شود.

ظهور و منشأ الگوی مقابر به درستی روشن نیست، اما احتمالاً بسیاری از آنها تابع سنت‌های محلی - منطقه‌ای از جمله مناطق سکایی، ایرانی، سوری - میان‌رودانی، هلنی و آناتولی بوده‌اند. بیشتر الگوهای به کار رفته در طراحی بناهای آرامگاهی دوره‌ی اشکانی، ادامه‌ی الگوهای دوره‌های گذشته بوده که با تغییرات اندکی در جزئیات، مجدداً استفاده می‌شد. قرار دادن اجساد در اتاق‌های باریک و بلند، و یا در لوکولی‌ها، در زمره‌ی نوآوری سنت‌های معماری تدفینی به شمار می‌رود. تنوع شایان توجه بناهای آرامگاهی، شاهدی بر اقوام و مذاهب مختلف و ظهور ناهمگونی سنت‌های معماری آرامگاهی در قلمرو وسیع شاهنشاهی اشکانی است. این آرامگاه‌ها با تجمل و هزینه‌ی فراوان برای طبقات بالای جامعه اشکانی ساخته شده‌اند.

بناهای آرامگاهی در دوره‌ی اشکانی از نظر گونه‌شناسی ساختاری - کالبدی به دو دسته‌ی معماری دست‌کند یا دخمه‌ای و دست‌ساز یا ساختمانی تقسیم می‌شوند. آرامگاه‌های دست‌کند شامل آرامگاه صخره‌ای و زیرزمینی است. آرامگاه‌های دست‌ساز نیز که با مصالح بومی هر منطقه ساخته شده‌اند، به آرامگاه‌های رواق‌دار، چلیپایی، راست‌گوشه، برجی، سردابه‌ای سنگ‌چین، چاهی و ترکیبی طبقه‌بندی می‌شوند. هم‌چنین بر مبنای گونه‌شناسی کارکردی، آرامگاه‌ها در دو گروه صرفاً با عملکرد تدفینی و آرامگاه دو

منظوره، و یا آرامگاه - نیایشگاه قرار می‌گیرند. عوامل جغرافیایی، وجود اقوام گوناگون در سرزمین پهناور اشکانی و سیاست آزادی مذهبی دولت اشکانی، تنوع معماری آرامگاهی این دوره را موجب شد.

قرار دادن این آرامگاه‌ها در یک توالی تاریخی و ارائه یک چارچوب زمانی بر اساس الگوهای معماری بسیار دشوار است. اما با قید احتیاط می‌توان آرامگاه‌های نساء، ولیران، وستمین، قومس، ملیحَه و مقابر سنگ‌چین را در زمره‌ی قدیمی‌ترین آرامگاه‌ها و مربوط به نیمه‌ی اول دوره‌ی اشکانی و آرامگاه‌های گلالک، شوش، شمی، خارک، اددور، هترا، آشور، پالمیر را نسبت به آنها متأخرتر و به نیمه‌ی دوم شاهنشاهی اشکانی مربوط دانست. احتمالاً آرامگاه‌های دست‌کند و دست‌ساز به دوره‌ی آغازین و میانی حکومت اشکانی و آرامگاه‌های برجی متعلق به دوره‌ی متاخر اشکانی مربوط است.

مطالعه‌ی سبک معماری آرامگاه‌های زیرزمینی و صخره‌ای اشکانی نشان می‌دهد که این بناها از آرامگاه‌های دوران ایلام و هخامنشی متأثر شده‌اند. آرامگاه‌های سردابه‌ای ایلام و آرامگاه‌های صخره‌ای هخامنشی کهن، الگوی مقابر اشکانی است. آرامگاه‌های برجی دوره‌ی اشکانی نیز از بناهای برجی پاسارگاد و کعبه‌ی زرتشت در نقش رستم تأثیر گرفته‌اند. میل ازدها در نورآباد ممسنی نیز احتمالاً آرامگاهی برجی از دوره‌ی اشکانی باید باشد. با توجه به ویژگی‌های برج نورآباد که شبیه برج‌های پاسارگاد و نقش رستم، اما با ابعاد کوچکتر است، شاید بتوان از آن به عنوان یک مقبره برجی در زمان اشکانی در منطقه جنوب غرب ایران یاد کرد. مقابر سردابه‌ای، برجی و سنگ‌چین نیز در شکل‌گیری معماری آرامگاهی دوره‌ی ساسانی - مانند برج‌های خاموشی و آرامگاه‌های سردابه‌ای ارمنستان و لرستان و نیز برج مقبره‌های دوران اسلامی - تأثیر گذاشته‌اند. مقابر رواق‌دار در نساء و مقابر میان‌رودان، سوریه و شبه‌جزیره‌ی عربستان نیز متأثر از سنت‌های عربی، یونانی و رومی است. ضمن آنکه ساخت مقابر سردابه‌ای در معماری یونان و روم نیز دیده شده است. این آرامگاه‌ها، در شمال یونان، جنوب ترکیه، شهر آی‌خانم در شمال شرقی افغانستان دیده شده است. احتمال منشأ و ارتباط آرامگاه‌های زیرزمینی مدور با

گورکان‌های سکایی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

گروهی از آرامگاه‌ها دارای وجه پنهانند و گروهی دیگر بر وجه نمایشی تأکید دارند. آرامگاه‌های صخره‌ای با قابلیت راحتی دید و دسترسی سخت، ایده‌ای جسورانه در ثبت و جاودانه کردن معماری مرگ برای افراد قدرتمند و سلطنتی بوده است. کوه‌ها و صخره‌ها در فرهنگ‌های کهن، نمادی از تقدس بود و آیین‌ها و مناسک مذهبی در آن اجرا می‌شد. هم‌چنین در برابر حوادث و عوامل طبیعی، معماری پایدار صخره‌ای، جاودانگی را به بهترین شکل نشان می‌دهد.

عمده آرامگاه‌های اشکانی فاقد تزئین‌اند و یا تزئینات اندکی محدود به تاقچه، تاق‌نما و رنگ‌آمیزی دارند. از بین آنها آرامگاه‌هایی مانند پالمیر، نساء و خارک، معماری فاخر و تزئینات غنی و مفصل دارند. ابعاد، مصالح، تزئینات و دقت و مهارت زیادی که در ساخت آرامگاه‌ها به کار رفته است، با موقعیت و مقام افراد متوفی و خانواده‌ی آنان در جامعه‌ی اشکانی ارتباط مستقیم دارد. ساخت و تزئین بسیار پرتکلف و پرهزینه‌ی گروهی از مقابر زیرزمینی و برجی در قلمرو غربی اشکانی، به ویژه در پالمیر، گویای جامعه‌ی شهری ثروتمند است که در گورستان‌های حومه یا خارج از شهر برای مردگان خود بناهای یادمانی و تشریفاتی برپا کرده‌اند. هم‌چنین آرامگاه‌هایی داریم که از ارتباط آنها با بافت‌های مسکونی شهری یا روستایی آگاه نیستیم، مانند وستمین، ولیران، قومس، صالح داوود، گلالک، شوش، اددور و ملیحه. اما بر مبنای تعداد آرامگاه‌ها و وسعت گورستان‌ها شاید بتوان آنها را به این مراکز استقرار منسوب کرد. در مقابل گروه دیگری از مقابر وجود دارند که اطراف آنها تا شعاع چندکیلومتری، اثری از سکونتگاه‌ها و مراکز استقرار دیده نمی‌شود. این آرامگاه‌ها معمولاً بسیار ساده ساخته شده‌اند. مقابر سنگ‌چین نمونه‌ی خوبی از این دست آرامگاه‌ها به شمار می‌رود و احتمالاً به جوامع کوچ‌رو و عشایری‌ای مربوطند که در کنار راه‌ها و یا منابع آبی، چنین مقابری برای رفتگان خود ایجاد کرده‌اند. بررسی آرامگاه‌ها نشان می‌دهد میان وابستگی به کانون قدرت و مرتبه‌ی اجتماعی و نوع و کیفیت ساخت آرامگاه‌ها رابطه وجود دارد. سنت ساخت مقابر پرتکلف و ساده برای جمعیت یکجانشین و

کوچ‌نشین و نوع نگاهشان به مقوله‌ی مرگ و مردگان، محل، شکل و ابعاد آرامگاه‌ها و هرگونه تغییری، بازتاب ساختار قدرت و اعتقادات مذهبی است.

نکته‌ی دیگر، هم‌جواری شماری از آرامگاه‌ها در کنار صدف‌ها و بناهای آئینی است. این امر در آرامگاه‌های شمی ملاحظه می‌شود. سنت خاکسپاری شاهان و خاندان شاهی در دوره‌ی هخامنشی در آرامگاه اردشیر دوم و در محوطه‌ی تخت جمشید دیده می‌شد. این سنت در دوره‌ی ساسانی نیز ادامه یافت، چنان‌که آرامگاه پادشاهان ارمنستان در کنار کلیسا برپا شد.

تمام آرامگاه‌های اشکانی صرفاً تدفینی نبوده‌اند، برخی از آنها فضاهای بزرگتری احتمالاً برای انجام دادن مناسک تدفین و آئین‌های مذهبی داشتند. آرامگاه‌های نیایشگاهی مانند نساء، پالمیر، دوراروپوس و خارک، چنین الگویی را نشان می‌دهند. این سنت فرهنگی-مذهبی، اهمیت و توجه ویژه‌ی جامعه‌ی اشکانی به مناسبات اجتماعی و تقویت پیوند میان زندگان و درگذشتگان را نشان می‌دهد. بنابراین کارکردی دوگانه داشتند: محلی برای تدفین و نیز مکانی برای برگزاری مراسم آئینی. از دوره‌ی ایلامی، معبد در کنار آرامگاه‌ها ساخته می‌شد. اجرای مراسم آئینی در آرامگاه‌ها مثلاً مراسم قربانی، از دوره‌ی هخامنشی گزارش شده است. بر بالای آرامگاه‌های سلوکی در شهر آی‌خانم نیز نیایشگاه‌های کوچکی ایجاد شده بود. تا امروز نیز آرامگاه‌ها مورد احترام است چنان‌که ارمنیان در محراب و دخمه‌های آرامگاه پادشاهان ارمنستان شمع روشن می‌کنند و برای آرمزش روح پادشاهان آرشاکونیاتس، در داخل آرامگاه دست به دعا برمی‌دارند.

بررسی و تحلیل گونه‌های متنوع معماری آرامگاه‌های اشکانی، نشان‌دهنده‌ی تأثیر سبک‌های معماری ایرانی، یونانی- رومی و سوری - میان‌رودانی است. سیر تحول معماری آرامگاهی اشکانی که به منزله مجموعه‌ای از معماری یادمانی در قالب طرح‌های متنوع بررسی شد، نه تنها از منظر تاریخ معماری و باستان‌شناسی بلکه برای شناخت روابط فرهنگی میان اقوام مختلف در دوره‌های هم‌زمانی و در زمانی نیز شایان توجه است و به درک ما از تداوم سنت‌های مشترک معماری تدفینی پیشینیان کمک می‌کند.

### منابع و مآخذ

- برنارد، پ (۱۳۷۴)، «قلمرو یونان در آسیای مرکزی»، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، جلد دوم، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۱۵۸-۱۱۳.
- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۶)، «مروری بر گورهای سنگ‌چین جنوب شرق ایران»، نامه‌ی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شماره‌ی ۲۰ و ۲۱، صص ۱۰۴-۸۹.
- رزمجو، شاهرخ (۱۳۹۳)، «معماری هخامنشی»، تاریخ جامع ایران، جلد سوم، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره‌ی المعارف بزرگ اسلامی، صص ۷۷۰-۷۱۷.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۶)، «کاوش آرامگاه‌های الیمایی گل‌الک شوشتر»، یادنامه اولین همایش باستان‌شناسی - شوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۲۰۸-۱۷۵.
- رهبر، مهدی (۱۳۹۱)، «آرامگاه زیرزمینی الیمایی در صالح‌داوود»، نامورنامه، مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: ایران نگار، صص ۲۸۹-۳۱۵.
- زادنیروفسکی، ی. الف (۱۳۷۶)، «کوچ روهای شمالی آسیای مرکزی پس از حمله اسکندر»، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، ترجمه‌ی صادق ملک شه‌میرزادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- سرداری زارچی، علیرضا، ایوب سلطانی و سمیرا عطاری‌پور (۱۳۹۳)، «گسترش فرهنگ الیمایی در کوهپایه‌ها: مسجد سلیمان و اندیکا»، باستان‌پژوهی، دوره‌ی جدید شماره‌ی ۱۶، صص ۸۱-۶۴.
- سفر، فواد و محمدعلی مصطفی (۱۳۷۶)، هترا شهر خورشید، ترجمه‌ی نادر کریمیان، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شریفی، عبدالمطلب، حسین نعمتی لوجندی و محمد فلاح کیایی (۱۳۹۷)، «نگاهی به جنگ افزارهای پارتی گورستان نویافته وستمین کیاسر ساری»، صراف خزان: جشن نامه‌ی دکتر محمدرحیم صراف، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صص ۲۲۹-۲۴۸.
- شهبازی، ع. شاپور (۱۳۷۹)، راهنمای جامع پاسارگاد، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- شیرازی، روح‌الله، عسگری، علیرضا، فرزین سامان و عابد تقوی (۱۳۹۲)، «بررسی باستان‌شناختی بر تدفین‌های سنگی بلوچستان (جنوب شرق ایران)، خراسان بزرگ، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱، صص ۳۹-۲۱.

کالج، مالکوم (۱۳۷۴)، *تاریخ اجتماعی پارتیان*، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: دنیای کتاب.  
کرمیان، غلامرضا (۱۳۹۴)، *شهر ساسانی رماوند لرستان*، تهران: خانه‌ی تاریخ و تصویر ابریشمی.  
گیرشمن، رومان (۱۳۷۵)، *چغازنبیل*، ترجمه‌ی اصغر کریمی، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

مهرکیان، جعفر و ویتو مسینا (۱۳۹۳)، «کل‌چندار: بررسی باستان‌شناسی شمی؛ پنجمین فصل پژوهش‌های باستان‌شناسی هیئت مشترک ایران - ایتالیا در خوزستان، ایذه، مهرماه ۱۳۹۱»، مقاله‌های کوتا دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

نعمتی، محمدرضا و علی صدرایی (۱۳۹۱)، «بررسی شیوه‌های تدفین دوره‌ی اشکانی در گورستان ولیران دماوند»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۲، صص ۱۰۳-۱۲۱.

نعمتی، محمدرضا، فریبا شریفیان و علی صدرایی (۱۳۹۸)، «مطالعه و تحلیل سکه‌های مکشوف از محوطه ولیران دماوند، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۲۱، دوره‌ی نهم، صص ۱۱۵-۱۲۹».

نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، *حفاری هفت تپه دشت خوزستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

هاشمی زرج‌آباد، حسن، روح‌الله شیرازی، سامان فرزین و مریم ظهوریان (۱۳۹۳)، «نویافته‌هایی از تدفین‌های سنگی در مکران ایران (شهرستان‌های نیکشهر و چابهار)»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره‌ی ۷، دوره‌ی چهارم، صص ۹۵-۱۱۲.

هرمان، جورجینا (۱۳۷۳)، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

هوسپیان، شاهن (۱۳۹۴)، «آرامگاه پادشاهان اشکانی ارمنستان»، *فصلنامه‌ی پیمان*، سال ۱۹، شماره‌ی ۷۲، صص ۲۰۸-۲۱۳.

Al'As'ad, W. (2013), "Some tombs recently excavated at Palmyra", *Studia Palmyrenskie* XII, p 15-24.

Audley-Miller, L (2016), "The banquet in Palmyrene funerary contexts", Draycott, Catherine M., Maria Stamatopoulou, and Uitgeverij Peeters, eds. *Dining and Death: Interdisciplinary Perspectives on the Funerary Banquet in Ancient Art, Burial and Belief*. Peeters, p 553-590.

Amy, R., and H. Seyrig (1936), "Recherches dans la nécropole de Palmyre", *Syria*: tome 17, fascicule 3, p 229-266.

- Andrae, W., and H. J. Lenzen (1933), "Die Partherstadt Assur", *Ausgrabungen der Deutschen Orient- Gesellschaft in Assur*.
- Antonini, S., and A. Agostini (2010), "Excavations of the Italian Archaeological Mission in Yemen: a Minaean necropolis at Barāqish (Wādī Jawf) and the Qatabanian necropolis of Ḥayd bin 'Aqīl (Wādī Bayḥān)", in Weeks, L. (ed). *Death and burial in Arabia and beyond: multidisciplinary perspectives*. Archaeopress, London: p 215-224.
- Brendel, O. J. (1949), "Reviewed Works: *The Necropolis by N. P. Toll; The Excavations at Dura- Europos, Conducted by Yale University and the French Academy of Inscriptions and Letters, Preliminary Report of the Ninth Season of Work, 1935-1936 by M. I. Rostovtzeff, A. R. Bellinger, F. E. Brown, C. B. Welles*", *Classical Philology*, Vol. 44, No. 2: 123-125.
- Buisson, N., D. Burlot, H. Eristov, M. Eveno, and N. Sarkis. (2015), "The tomb of the three brothers in Palmyra: the use of Mimetite, a rare yellow pigment, in a rich decoration", *Archaeometry* 57, no. 6, p 1025-1044.
- Böhme, M. (2012), "The restoration of Tomb 154 at Bat", *FIFTY YEARS OF EMIRATES ARCHAEOLOGY*, p114-121
- Boucharlat, R. (2019), "Some Remarks on the Monumental Parthian Tombs of Gelālak and Susa", in M., Yousef (ed.), *Afarin Nameh: Essays on the Archeology of Iran in Honour of Mehdi Rahbar*. Tehran: The Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT).
- Boucharlat, R., and E. Haerinck, (eds) (2011), *Tombes D'Époque Parthe: Chantiers de la Ville des Artisans*. Vol. 35. Brill.
- Canepa, M. P. (2010), "Achaemenid and Seleucid Royal Funerary Practices and Middle Iranian Kingship", *Commutatio et Contentio: Studies in the Late Roman, Sasanian, and Early Islamic Near East in Memory of Zeev Rubin*, p1-21.
- Colledge, M.A.R. (1977), *Parthian Art*, Elek, London.
- Cormack, S. (1994), "Palmyra's temple-tomb 36 and tomb architecture in the east", *Journal of Roman Archaeology* 7, p 437-446.
- Crassard, R., H. Guy, J. Schiettecatte, and H. Hitgen, (2010), "Reuse of tombs or cultural continuity? The case of tower-tombs in Shabwa governorate (Yemen)" In: Draycott, Catherine M., Maria Stamatopoulou, and Uitgeverij Peeters, eds. *Dining and Death: Interdisciplinary Perspectives on the Funerary Banquet in Ancient Art, Burial and Belief*. Peeters: 173-177.
- De Jong, L. (2019), "Monuments, Landscape, And Memory: The Emergence of Tower-Tombs In Tadmor-Palmyra", *Bulletin of the Institute of Classical Studies* 62, no. 1, p 30-52.
- De Jong, L., (2017), *The archaeology of death in Roman Syria: burial, commemoration, and empire*. Cambridge University Press.
- Denker, A. (2017), "Palmyra as it Once Was: 3d Virtual Reconstruction and Visualization of AN Irreplaceable Lost Treasure", *International Archives of the Photogrammetry, Remot Sensing and Spatial Information Sciences* 42, no. 5/W1.
- Dorna Metzger, F. (2000), "Hatra: edifici funerary", *Topoi. Orient-Occident* 10, no. 1, p 197-215.
- Gawlikowski, M. (2005), "The city of dead", in: E. Cussini, (Hrsg.), *A Journey to Palmyra, Collected Essays to Remember Delbert R. Hillers*. Leiden; Boston, (Culture and History of the Ancient Near East; 22, p 44-73.
- Ghirshman, R. (1944), "La tour de Nourabad. Étude sur les temples iraniens anciens" *Syria*: p 175- 193.
- Goldman, B. (1965), "Persian Fire Temples or Tombs? ", *Journal of Near Eastern*

- Studies* 24.4, p 305-308.
- Grenet. F. (2015), "37 ans après "Rodina parfjan": quelques reflexions sur la fonction des monuments de Vieille Nisa." *Problèmes d'histoire, de philologie, de culture* 1 (47), p 20-32.
- Haerinck, E. (1975), "Quelques monuments funéraires de l'île de Kharg dans le golfe Persique", *Iranica Antiqua* 11, p 134-167.
- Haerinck, E., C. S. Phillips, D. T. Potts, and K. G. Stevens, (1993), "Ed-Dur, Umm al-Qaiwain (UAE)", *Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet, Tübingen, Wasmuth*, p 183-193.
- Hansman, J., and D. Stronach (1970), "Excavations at Shahr-i Qūmis, 1967", *Journal of the Royal Asiatic Society* 102. No.1, p 29-62.
- Hansman, J., and D. Stronach (1974), "Excavations at Shahr-i Qūmis, 1971", *Journal of the Royal Asiatic Society* 106.1, p 8-22.
- Henning, A. (2013), "The tower tombs of Palmyra: chronology, architecture and decoration", *Studia Palmyrenskie* XII, p 159-176.
- Jasim, S. A., (2006), "Trade centres and commercial routes in the Arabian Gulf: Post-Hellenistic discoveries at Dibba, Sharjah, United Arab Emirates", *Arabian Archaeology and Epigraphy* 17.2, p 214-237.
- Kaim, B., and M. Kornacka, (2016), "Religious Landscape of the Ancient Merv Oasis", *Iran*: 54, no. 2, p 47-72.
- Karamian, Gh. K. Farrokh, M. Fallah Kiapi, and H. Nemati Lojandi (2018), "Graves, crypts and Parthian weapons excavated from the gravesites of Vestemin", *Historia i Świat*, no.7, p 35- 70.
- Mackay, D. (1949), "The Excavations at Dura-Europos, Ninth Season, 1935-6. Part II, the Necropolis. By NP Toll. Pp. viii+ 150; pl. 65+ 52 text figs. New Haven: Yale University Press (London: Geoffrey Cumberlege), 1946. 27s. 6d", *the Journal of Hellenic Studies* 69, p 85-86.
- Matheson, S. B. (1992), "The tenth season at Dura-Europos 1936-1937", *Syria* 69.Fasc. 1/2: 121- 140.
- MehrKian J., and V. Messina (2020), "Preliminary Report on the Iranian-Italian Joint Expedition into Khuzestan: Kal-e Chendar; Shami", *Archaeolog, Quarterly Journal of the Iranian Center for Archaeological Research*, vol.3. no. 4, p 49-78.
- MehrKian J. and V. Messina (2018), "Mountainous Sanctuaries of Ancient Elymais. Preliminary Results of the Research conducted by the Iranian-Italian Joint Expedition in Khuzestan", *Acta Iranica* 58, p 293-304.
- Méry, S. (2010), "Results, limits and potential: burial practices and Early Bronze Age societies in the Oman Peninsula", *Death and burial in Arabia and beyond*: p 33-44.
- Messina, V. and Jafar Mehr Kian, (2014), "Return to Shami. Preliminary Survey of the Iranian-Italian Joint Expedition in Khuzistan at Kal-E Chendar", *Iran* 52.1, p 65-77.
- Olbrycht, M. J. (2017), "Slipper coffins and funerary practices in Parthia", *Anabasis* 8, p 301-313.
- Overlaet, B., and E. Haerinck (2014), "Monumental tombs along the Arabian Caravan Routes", *Akkadica Supplementum* 12, p 205-214.
- Overlaet, B., (2015), "Belgian Excavations at Mleiha, Sharjah (UAE) 2009-2013", *Bulletin de Séances de l'Académie Royale des Sciences d'Outre-Mer-Mededelingen der Zittingen van de Academie voor Overzeese Wetenschappen* 6, no. 2-3, p 249-267.

- Rice, K. E. (2016), *A tomb with a view: Constructing place and identity in the funerary monuments of Hellenistic Anatolia*. PhD diss., The University of North Carolina at Chapel Hill.
- Steve, M.J., H. Gasche, and C. Hardy-Guilbert (2003), *L'Ile de Khārg: une page de l'histoire du Golfe Persique et du monarchisme oriental*. Recherches et publications.
- Stoilova, G. (2020), "Monumental burial complex of the roman age from the territory of Bulgaria", *Revista Inclusiones*, p 193-205.
- Von Gall, H. (1988), "Das Felsgrab von Qizqapan Ein Denkmal aus dem Umfeld der Achämenidischen Königstrasse", *Baghdader Mitteilungen*, vol.19, p 557-582.
- Wadson, L. (2011), "Nabataean Tombs Complexes at Petra: New Insights in the Light of Recent Fieldwork", *Proceedings of the Australasian Society for Classical Studies*, 32, p1-24.
- Wadson, L. (2013), "Nabataean Façade Tombs: A New Chronology", *Studies in the History and Archaeology of Jordan*, 11: p 507-28.
- Will, E. (1951), *Le Relief de la tour de Kithôt et le banquet funéraire à Palmyre, Syria*: p 70-100.
- Whitcomb, D. S. (1985), *before the roses and nightingales: excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz*. Metropolitan Museum of Art.

### List of sources with English handwriting

- Bernard, P., (1374), "Qalamrov-e Yūnān Dar Āsiyāye Markazī (Greek Territory in Central Asia)", History of Central Asian Civilizations, Volume II, Tehrān: Vezārat Omūr-e Kāreje, 158-113.
- Kosrozādeh, 'Alīrezā, (1386), "Morūrī Bar Gūrhāye Sangčīn dar Jonūb-e Šarqī-ye Iran", Nāme-ye Pažūhešgāh-e Mīrāt-e Farhangī Šanāte'-e Dastī Va Gardešgarī, , No. 20 and 21: 104-89.
- Razmjoo, Šāhroq, (1393), "Achaemenid Architecture", Comprehensive History of Iran, Volume 3, under the supervision of Kāzem Moūsavī Bojnourdī, Tehrān, Center of the Great Islamic Encyclopedia, 770-717.
- Rahbar, Mehdi, (1376), "Kāvūš-e Ārāmgāh-hā-ye Ilīmāi-ye Galālak-e Šoštar", Yādname Avalīn Hamāyeše Bāstān Šenāsi-ye Šūš, Tehrān, Sāmān-e Mīrāt Farhangī-ye Kešvar: 208-175.
- Rahbar, Mehdi, (1391), "Ārāmgāh-e Zīrzamīnī-ye Ilīmāi Dar Šaleḥ Dāvood", Nāmvarnāmeḥ, Maqālehāi dar Pāsdāšt-e Mass'oud Āzarnouš, by Ḥamīd Fahīmī and Karīm 'Alīzādeh, Tehrān: Irānegār: 289-315.
- Zadenprovsky, Y. A., (1376), "Kočrūhā-ye Šomāliye Āsiyāye Markazī Pas Az Hamle Eskandar (Migration of North Central Asia after the invasion of Alexander)", History of Central Asian Civilizations, translated by Šādeq Mālek Šahmīrzādī, Tehrān: Vezārat Omūr-e Kāreje.
- Sardārī-Zārčī, 'Alīrezā, Ayūb Soltānī and Samīrā 'Atṭārpūr, (1393), "Gostareš-e Farhang-e Ilīmāi dar Kohpāyehā-ye Masjed Soleymān va Andīkā ", Bāstān Pažūhī, Dūre jadīd, No. 16: 81-64.
- Safar, Fo'ad and Moḥammad 'Alī Mošṭafa, (1997), Hetra Šahr Koršīd, Translated by Nāder Karīmīyān, Tehrān, Enteshārāt-e Sāzmān-e Mīrāt-e Farhangīye Kešvar.
- Šarīfī, 'Abdolmoṭallab, Hosseīn Ne'matī Lojandī and Moḥammad Fallāh Kīāpī, (1397), "Negāhī be jangafzārḥā-ye Pārtī Gorestān-e Noyāfte Vastamīn Kīyāsar Sārī", Šarrāf Kazān: jašnname Dr. Moḥammad Raḥīm Šarrāf, Tehrān, Sāzmān-e Mīrāt Farhangī, Šanāye'-e Dastī va Gardešgarī: 229 -248.
- Šahbāzī, A. Šāpoor, (1379), Comprehensive Guide to Pasargad, Shiraz, Bonīyād-e Fārsī Šenāsi.
- Šīrāzī, Rūḥollāh, 'Asgarī, 'Alīrezā, Farzīn Sāmān and 'Ābed Taqavī, (1392), " Archaeological Survey in the Baluchestan's Cairn Burial, Journal of Greate Khorasan, Vol. 4, pp. 11: 39-21.
- Colledge, Malcolm A.R, (1374), The Parthians, Translated by Mas'ūd Raḥab Nīyā, Tehrān: Donīyā-ye Ketāb.
- Karamīyān, Qolāmrezā, (2015), Šahr-e Sāsānī-ye Ramāvand Lorestān, Tehrān, Kāne Tārīk va Tašvīr-e Abrišamī.
- Ghirshman, Roman, (1375), Choghaznabil, Translated by Ašqar Karīmī, Volume 2, Tehrān, Sāzmān-e Mīrāt Farhangī.
- Mehr kīyān, Ja'far and Vito Messina, (2014), "Kolčendār: Barresī-ye Bāstānšenāsi-ye Šamī; The Fifth Chapter of the Archaeological Research of the Iran-Italy Joint Mission in Khuzestan, Izeh, Mehr 1391", Short Papers, Twelfth Annual Meeting Archeology of Iran, Tehrān, Sāzmān-e Mīrāt Farhangī, Šanāye'-e Dastī va Gardešgarī.
- Ne'matī, Moḥammad Rezā and 'Alī Šadrāeī, (1391), " A Study on the Parthian Burial Traditions at Veliran Cemetery in Damavand, Iran", Journal of Archaeological Studies, Volume 4, Issue 2: 121-103.
- Ne'matī, Moḥammad Rezā, Farībā Šarīfīān and 'Alī Šadrāeī, (1398), "Study and

- Analysis of Coins of Excavated from Veliran Damavand Site”, *Pazhohesh-Haye Bastanshenasi Iran*, Vol. 21, Volume 9: 129-115.
- Negahabān, ‘Ezatollāh, (1372), *Excavation of Haft Tappeh in Khuzestan Plain, Tehrān, Sāzmān-e Mirāṭ Farhangī Kešvar*.
- Hāšemī Zarjābād, Ḥassan, Roḥollāh Šīrāzī, Sāmān Farzīn and Maryam Zohoūrīyān, (2014), " New Archaeological Evidence on Cairn Burials in Iranian Makran (Nikshahr and Chabahar)", *Pazhohesh-Haye Bastanshenasi Iran*, Vol. 7, Volume 4: 112-95.
- Herrmann, Georgina, (1373), *The Iranian revival*, Translated by Mehrdād Vaḥdatī, Tehrān: Markaz-e Našr-e Dānešgāhī.
- Hospīān, Šāhen, (2015), "Tomb of the Parthian Kings of Armenia", *Peyman Quarterly*, p. 19, 72: 213-208.